



موقوفه خفته  
نگارشی از مجموعه مسکونی رستم باغ



اسلامی ندوشن  
اساس ادبیات فارسی را یک نوع تفکر  
جهانی پایدار تشکیل می دهد



کاندیداهای نمایندگی مجلس  
و نماینده فعلی زرتشتیان  
تنظیم: خسرو پرخنده



پاداش گرانبهای خاوندان جان و خرد از آن کسی است که در کالبد جسمانی و در جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست پروردگار را برآورده سازد.  
اهنود گات. یسنا ۳۴. هات ۱۴. گاتها

نگارخانه نخست

هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نخستین روز از استفاده اسما در سراسر کشور برگزار می شود. در حوزه انتخابیه زرتشتیان نیز ۹ نفر برای این پست نامزد شده اند. در این بین اما چندین پرسش ذهن هر فرد زرتشتی را به خود مشغول کرده است. نخست آنکه کاندیدا شدن ۹ نفر با توجه به جمعیت زرتشتیان، زیاد به نظر می رسد. دلیل آن چیست؟ دوم آنکه با توجه به اینکه اسما الزاما یک چهارم کل آرای ریخته شده به صندوق ها برای راهیابی یک کاندیدا به مجلس ضرورت دارد، آیا نماینده زرتشتیان می تواند در رقابت با ۸ نامزد دیگر با پشتوانه ای مناسب راهی پارلمان شود؟ و سر انجام اینکه آیا جامعه زرتشتی می تواند پادشاهی برای کم کردن تعداد نامزد های نمایندگی بیابد یا خیر؟

در عالم سیاست اما لازمه انجام هر گونه فعالیتی داشتن مشروعیت است. مشروعیت به معنای پشتوانه مناسبی از آرای مردم، نماینده زرتشتیان هم از این قاعده مستثناء نیست و تجربیات نمایندگان پیشین نیز این مورد را تأیید می کند. در این دوره با کاندیدا شدن ۹ نفر، بسیار واضح است که آرای جامعه کوچک زرتشتی میان آنها تقسیم شود و با هم واضح تر است که تعداد آرای هر یک به نسبت دچار کاهش می شود. یعنی کاسته شدن از مشروعیت نماینده. یعنی کم شدن قدرت چانه زنی و نفوذ او در مجلس.

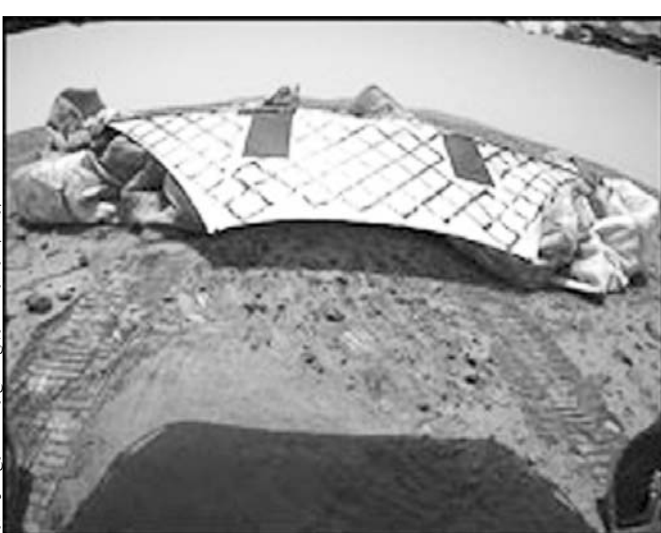
در این بین اما جامعه زرتشتی باید برای حفظ و پاسداری از منافع خود که در شعارهای انتخاباتی بسیاری از کاندیداها هم به چشم می خورد و بنا بر مصالح جامعه که نماینده ملزم به رعایت آنهاست، راهی برای کاستن از تعداد نامزدهای نمایندگی بیابد. این کار اما انجام نخواهد شد مگر با همسو کردن اندیشه ها و نظرات نامزدهای نمایندگی و برگزیده نرات برتر. کاری که تنها با داشتن معیارهای مشخص امکان انجام می یابد و باید از سوی سازمان ها و گروهی فراتر از انجمن ها و سازمان های کنونی انجام شود. با توجه به آماده نبودن این شرایط به نظر می رسد جامعه زرتشتی در انجام این کار ناتوان باشد. مردم اما می توانند با دوری جستن از تعصبات قومی و محلی و فاسیلیت و وابندیشدن به پیکرنگی و هماهنگی جامعه، با این معیارهای معین را خود به دست آورده و به کاندیدای برتری رأی دهند تا شاید مشکل مشروعیت، نماینده زرتشتیان در مجلس را دچار چالش نکند.

پایان نامه دا دانشجوی به مناسبت ۳۷ قرن تمدن زرتشتی

پایان نامه کارشناسی ارشد بابک بهی در رشته مدیریت با گرایش بازاریابی می المللی با عنوان « باز آفرینی تطبیقی الگوی رفتاری ۲۰۰۰ ساله در ایران و مقایسه آن با الگوی مدیریت انفرادی صد شرکت اول جهان، در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی آریه و با درجه عالی دفاع شد.

به گزارش خبر نگار امرداد، این پایان نامه که در قالب مدل آموزشی برای آموزش مدیریت بازرادانی در ایران است، با بررسی الگوهای مدیریتی صد شرکت صد شرکت موفق جهان که هر ساله توسط مجله معتبر «فورچون» برگزیده می شوند، الگوی مشترک اجرایی آنها را بررسی کرده و به مدلی اساسی و کاربردی در میان آنها دست یافته است. فرضیه مدل مذکور در صد شرکت اول دنیا شامل تحقیقات از بازار پیش از تولید محصول ارفقتشقق لدهققنقه، تبلیغات درست برای بازار پس از فروش محصول سختهقققق و خدمات درست به نفع بازار پیش و پس از فروش محصول سختهقققق است. در نتیجه با استفاده از تطبیقی، تحقیقات درست از بازار با اندیشه نیک، تبلیغات درست برای بازار با گفتار نیک و خدمات درست به نفع بازار با کردار نیک هم معنی و مترادف شده است.

این گزارشی می افزاید: برای سنجش انطباق این دو مدل، فرضیه مدل مذکور از طریق نظر سنجی از صاحبان نظر ایرانی و خارجی آزموده شد و نتایج این نظرسنجی، انطباق الگوی مدیریتی صد شرکت اول جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی با الگوی رفتاری ۳۷۰۰ ساله ایرانی به اثبات رسید. این تحقیق در مقایسه با مدل پیشنهادی پروفیسور چارلز هندی غیدشا ستمقشاز، استاد دانشکده بازرگانی لندن که در سال ۲۰۰۰ الگویی برگرفته از اسطوره های یونانی را در بررسی سازمان حساسیتششمی مطرح می کند، مستحکم ۱۷۰۰ سال قدیمی تر و به لحاظ جهان شمولی قوی تر است. بنا بر این گزارش در ارتباط با این پژوهش تا کنون ۸ نوشتار به چاپ رسیده است که در شماره های ۱۶ تا ۲۳ ماهنامه تخصصی بازار باایی با نام «بازار دان اسطوره ای» قابل دسترسی و مطالعه است.



سپهرت از جمله پروژه های مهم در تهران است. تصویر: علی اکبر سلیمان

ایران، مریخ را فتح کرد

سر انجام با مدیریت یک ایرانی مریخ نورد آمریکایی با نام شیخ (spirit) روز ۴ ژانویه (۱۵ دی ماه) بر سطح مریخ فرود آمد و مأموریت سه ماهه خود را برای جستجوی حیات در این سیاره آغاز کرد. به گزارش خبرنگار امرداد، دکتر فیروز نادری، یکی از دانشمندان فضایی برجسته سازمان فضایی آمریکا (ناسا) مدیریت پروژه برتاب این مریخ نورد را بر عهده داشت. وی در کنفرانس ها و مصاحبه های خبری که پس از فرود این مریخ نورد بر سطح مریخ برگزار شد خوشحالی بسیار خود را از موفقیت پروژه تحت نظارش ابراز داشت. پس از آنکه کاوشگر مریخ توانست به سلامت در سطح مریخ فرود آید در اتاق فرمان این فضاپیما که رئیس ناسا نیز در آن حضور داشت جشن پیروزی به راه افتاد، به ویژه آنکه بیشتر مأموریت های ناسا که تا کنون به مقصد مریخ انجام گرفته بود موفقیت چندانی در پی نداشته است. فرود گر اروپایی نیکل ۳ نیز که به تازگی از سوی اس (سازمان فضایی اروپا) که مریخ پرتاب شده بود، به دلیل قطع ارتباط با فضاپیماهای مادر مریخ متوقف شده است. کاوشگر مریخ پس از آنکه در خاک مریخ فرود آمد، دکل دوربین دار خود



دکتر فیروز نادری، یکی از دانشمندان فضایی برجسته سازمان فضایی آمریکا (ناسا)

راه بر کار انداخت و ده ثانیه تصویر با وضوح بالا ارسال کرد. مریخ نورد شیخ دارای ۱۷۵ کیلو گرم وزن و ۱۴۹۰/۵ سانتیمتر ارتفاع و ۱۵۸/۶ سانتیمتر طول و ۲۲۸/۸ سانتیمتر عرض است که به دوربین های عکسبرداری منظره

آتشکده آذر گنشسب، نماد جاودانگی زرتشت

مجموعه باستانی تخت سلیمان که در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شهر تکاب در استان آذربایجان غربی قرار گرفته، با وسعتی معادل ۱۲ هکتار به عنوان یکی از محوطه های تاریخی مهم کشور محسوب می گردد. هر چند در این منطقه نشانه ها و بقایای استقرار از هزاره اول قبل از میلاد تا قرن ۱۱ هجری قمری ملاحظه شده، اما اوج شکوفایی و آبادانی تخت سلیمان مربوط به دوره ساسانی است که آتشکده «آذر گنشسب» در آن جا احداث شده به عنوان مهم ترین معبد مورد احترام ایرانیان زرتشتی در زمان ساسانیان نقش بسیار تعیین کننده ای در حیات سیاسی - اجتماعی حکومت ایفا می کند. آتش جاودان آتشکده به مدت هفت قرن نماد اقتدار آیین زرتشت محسوب می شد. او اوایل قرن ۱۹ میلادی شرق شناسان از تخت سلیمان بازدید و در نهایت از سال ۱۹۵۹ میلادی، این مجموعه توسط هیات حفاری آلمانی با نظارت کارشناسان ایرانی به مدت ۲۰ سال کاوش علمی قرار گرفت.

ادامه در صفحه دو

در زلزله بم قیصریه زرتشتیان هم خاک شد



زلزله بم علاوه بر این که جان بیش از سی هزار نفر را گرفت، بسیاری از آثار تاریخی بم را نیز از بین برد که از کم بم مشهورترین شان بود اما علاوه بر آن زلزله باعث شد خانه عماری ها و آرامش و قیصریه زرتشتی نیز زیر تلی از خاک مدفون شود. قیصریه زرتشتی مجموعه ای از بازار، کاروانسرا، مسجد و حمام بود که تقریباً ۱۴۰ سال پیش ساخته شده بود. این مجموعه پس از انقلاب توسط سازمان میراث فرهنگی تحویل گرفته شد و مرمت و احیا آن توسط هیاتی به سرپرستی دکتر حسین طیار آغاز شد، متأسفانه این پروژه با وقوع زلزله ناکام ماند. دکتر طیار تاریخچه این مجموعه و اقدامات مرتب بر حفظ و احیا آن را در یادداشت کوتاه زیر به رشته تحریر در آورده است: قیصریه زرتشتیان بخشی از یک مجموعه عام المنعرفه در شهر بم شامل چهار رسته بازار، کاروانسرا، قیصریه، حمام، آب انبار و مسجد است. این مجموعه در بین سال های ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۴ هجری قمری به وسیله مرحوم اسماعیل خان نوری اسفنداری ملقب به «وکیل الملک» حاکم خرم سارزند کرمان در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در داخل شهر جدید بم - پس از بیرون آمدن مردم از آرگ و ایجاد شهر جدید بم - ساخته شد. قیصریه در کرمان معمولاً به محوطه های باز وسط بازارها که در آن یک یا چند معبر دیگر هم وجود دارد گفته شده است مانند قیصریه ملامحمد صالح یا قیصریه ابراهیم خان در کرمان. مرحوم وکیل الملک پس از ساخت این مجموعه، بازارها و کاروانسرا را در اختیار زرتشتیان بم قرار داد. با توجه به ارتباط نزدیکی که بین زرتشتیان ایران و پارسیان هند وجود داشت و نفوذ پارسیان هند در کمپانی هند شرقی، این مساله به اقتصاد منطقه کمک فراوان کرد و تا اندازه ای باعث رونق آن دست گرفته شد. همین دلیل است که این مجموعه به قیصریه زرتشتیان معروف شد. در صورتی که مسجد و حمام هنوز به نام باغ آن مسجد و حمام وکیل نامیده می شوند. قیصریه زرتشتیان حدود سال های ۲۰۱۰ دیرو بودند. در آن زمان پس از مهاجرت تدریجی زرتشتیان به شهرهای بزرگ تر و با خارج از کشور رفته متروک شد. آب انبار قبل از انقلاب و شمالی کاروانسرا در طول انقلاب به وسیله شهرداری بم تخریب شده بودند و شهرداری وقت قصد تخریب تمامی مجموعه را داشت، اما این مجموعه که بعد از آرگ بم بزرگ ترین جاذبه تاریخی بود به وسیله سازمان میراث فرهنگی حفاظت و مرمت شد.

متأسفانه این مجموعه در زلزله اخیر مانند سایر بناهای داخل شهر بم به شدت آسیب دیده و همواره با مجموعه بازارهای قدیمی و سایر شهر بم که در غرب قیصریه سردی کاملآ تخریب شدند. همچنین بازارهای بم که در مرکز فعال اقتصادی شهر بم بودند، شامل چهار رسته بازار شرقی و غربی به نام بازار امیر، بازارهای سجادی و بازار کردگاری و بازار راستی بازارشمال جنوبی در امتداد شرقی بازارهای امیر و سجادی به نام بازار آهنگران بودند. بازارهای آهنگران و امیر قدیمی تر و در اوایل قاجار ساخته شده بودند. بازارهای سجادی اواخر قاجار و بازار کردگاری در اوایل حکومت پهلوی ساخته شده بودند، با تخریب این مجموعه مهم ترین جاذبه های فرهنگی و گردشگری بم پس از آرگ نابود شدند.

در مورد دادن نسبت های ناروا به زرتشتیان انجمن زرتشتیان تهران سر انجام واکنش نشان داد

پژوهشگران و مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران وقوف کامل دارند که در زرتشتیان هیچگاه مشرک، بت پرست و ملحد و غیر اهل کتاب بوده و نیستند و آنچه انتسابات نادرست قید شده در آن فرهنگ های لغات به هیچ وجه با اصول مذکور قانون اساسی منطبق نبوده و با شان و جایگاه واقعی زرتشتیان تناسبی ندارد. بنابراین از مقامات محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتظار مشروع دارد که دستور فرمایند آنگونه معانی و تعریف ناصحیح و بعضاً افکار گزاف از زرتشت و زرتشتیان از فرهنگ لغات مذکور حذف شده و با حداقل در باورنی صفحات حاوی سطور آن تعاریف نادرست، توضیحات لازم و کافی برای آگاهی صحیح و آشنایی و اطلاع بیشتر عموم داده شود. ونوشتهای نامه به دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر شهیدی ریاست موسسه دهخدا و شاخه و خشنوری رستاده شده است. شاخه و خشنوری هم در نامه ای خطاب به انجمن زرتشتیان تهران خواستار پاسکاری فرهنگ های لغت فارسی از نسبت های ناروای گبر، مجوس، کافر و مشرک به زرتشتیان شده بود که نامه وی در هفته نامه امرداد نیز به چاپ رسید و واکنش های مختلفی را در جامعه به همراه داشت. انتظار می رود مسئولان محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با پیگیری این مساله همچون گذشته حافظ منافع زرتشتیان باشند.

ادامه در صفحه دو



در میان رسانه‌ها

بهمنگان تبلور اندیشه نیک در مردمان

به مناسبت جشن بهمنگان، خبرگزاری میراث فرهنگی خراسان در این روزها به چاپ رسانده که ماهی هفتاد و یک نفر از نویسندگان و مترجمان این ماه مصداق است با بهمنگان زرتشتیان در هم زمان با آن در تالار خسروی مراسمی خاص برای اقلیت دینی برپا می شود.

دومین روز از ماه بهمن در تقویم زرتشتی، بهمن روز نامیده می شود که بنا بر احساب ویژه زرتشتیان که هر ماه سی روز محاسبه می شود، مصادف است با ۲۶ دی ماه هر سال.

روزگار دوران گذشته ایرانیان قدیم در این روز جشن «بهمنگان» را با آیین های ویژه ای برگزار می کردند اما امروزه اکثر این جشن ها مثل آبانگان و دی گان که در ماه برگزار می شده از ویژگی های اصلی خود تهی شده و محدود شده اند به چند جلسه سخنرانی و گروه های... چنانکه امروزه زرتشتیان تهران این جشن را فقط با اجرای یکی - دو سخنرانی در تالار خسروی برگزار می کنند.

«بهمن» در اساطیر ایرانی به معنای اندیشه نیک است و نام یکی از هفت امشاسپندی که زرتشت را در راه نیل به «دین بهی» یاری می دادند. چنان که در اساطیر سابق آمده است: بهمن، پیشوایان را به سوی خدا، در طرف راست او همرازمند می شنید و تقریباً نقش مشیور را دارد. اگر چه او پشتیبان حیوانات سوخته در جهان است با انسان نیز سر و کار دارد. بهمن بود که آشکارا در برابر زرتشت نمایان شد و اوست که گزارشی روان از اندیشه و گفتار و کردار مردمان تهیه می کند. پس از مرگ، بهمن روان پارسیان را خوشامد می گوید و آنان را به بالاترین قسمت بهشت رهنمون می شود.

در نزد زرتشتیان این اعتقاد وجود دارد که اندیشه خوب (بهمن) مظهر خرد خداست که در وجود انسان قعال است، انسان را به سوی خدا رهبری می کند، زیرا از طریق اندیشه نیک است که می توان به شناخت «دین بهی» رسید. دیوانی که بهمن با آنان مکلف است عبرت‌اند از خشم، از و بالاتر از همه اندیشه بد یا بی نظمی.

بهمن روز

دومین روز از هر ماه شمسی به نام امشاسپند بهمن نامگذاری شده است. بهمن فرشته ای است که خشم و قهر را تسکین می دهد و آتش غضب را فرو می نشاند و مولا است بر کارها و گوسفندان، در کتاب «اندرز آذریاده» توصیه شده است که از بستر و جامه نو در این روز استفاده کنند. از سلمان فارسی هم نقل شده که بهمن روز برای ازدواج و برآوردن کارهای نیک و مبارک است. در این روز خدا، حورا را آفرید، از این روز بهمن فرشته مولا بر جریب های قدس و کرامت نیز هست. حضرت صادق (ع) آن را روزی مبارک و برای ازدواج و بازگشت از سفر خرید و فروش و نو پوشیدن و نو بریدن مناسب توصیف کرده است.

اما در این روز فصد و حجاجت نامناسب است. پرونی در ماه الباقیه این روز را در ده ماه نخست سال و همچنین اسفند ماه، میانه (متوسط) یعنی نه سعد و نه نحس ولی در بهمن ماه نحس معرفی کرده است.

بهمن روز از بهمن ماه را ایرانیان جشنی به نام بهمنگه یا بهمنگی برپا می داشتند.

بهمنگه یا بهمنگان

بهمنگه معرب بهمنگان، جشن روز دوم بهمن ماه است که به سبب فرشته مولا که بر بهمن، معلق غار، در این روز نیز حاضرند این جشن ها مراسمی برگزار می شده است. مردم مانند مخلوطی از جمیع دانه ها در دیگ هایی می پختند و بهمن سپید می خوردند یا این جشن است را با شیر خاص پاک می خوردند و معتقد بودند که حافظه را زیاد می کند. مردمان در این روز گل می چینند و روغن می گیرند و بخور می سوزانند. و بر آند که جاماسب، وزیر گشتاسب این کارها را در این روز انجام داده است. در خراسان قدیم هم بهمنانی بزرگی برپا می داشتند و انواع حیوانات و گوشت خوراکی مختلف را در دیگ می ریختند و می پختند. به نظر می رسد که این جشن را مدت ها در دوره اسلامی نیز برپا می داشته اند. هر چند امروزه فقط یادی از آنها در کتاب ها باقی مانده است.

ارگ بم در فهرست میراث جهانی در خطر جای می گیرد

در اجلاس آینده یونسکو در چین

ارگ تاریخی بم، بزرگ ترین بنای خشتی جهان که هم اکنون بر اثر زلزله شهرستان بم به بزرگ ترین تل خشتی جهان تبدیل شده است در اجلاس آینده سالانه کمیته میراث جهانی یونسکو در فهرست میراث فرهنگی در خطر قرار خواهد گرفت.



به گزارش «میراث خبر»، ارگ تاریخی در هزار ساله بم بزرگ ترین مجموعه خشتی جهان است که بنا به گفته مقامات سازمان میراث فرهنگی کشور حدود ۸۰ درصد آن در جریان زلزله ۶/۳ ریشتری پنج دی ماه تخریب شده است.

عبدالسلول وطن دوست، مدیر امور بین الملل سازمان میراث فرهنگی کشور در مورد فرار گرفتن ارگ بم در فهرست جهانی گفت: طبق ملاذات انجام شده بر مبنای نتایج بازدیدهای میدانی یونسکو، آنها آمادگی می پسوند تا ارگ تاریخی بم در فهرست میراث جهانی و قرار گرفتن آن در لیست معرض خطر این فهرست جهانی را به عنوان یک پرنده و اثر اضطراری پذیرفته اند.

وی گفت: «اطلاعات و پرنده های لازم در مورد ارگ تاریخی بم موجود است و تا چندین دیگر این پرنده ها به یونسکو تحویل داده خواهد شد تا در اجلاس نهم آینده کمیته میراث جهانی در چین، این امر در لیست جهانی جای گیرد».

به خاطر همدردی با زلزله زدگان شهرستان بم و مسئولان استان کرمان برگزار می شده است. ناصر همدردی با زلزله زدگان شهرستان بم برگزار خواهد شد.

انجمن زرتشتیان کرمان با ارسال ناماری ضمن اعلام این خبر از زرتشتیان خواسته است که کمک های نقدی خود را در کشور و خارج از کشور به حساب های این انجمن واریز کنند.

در این نامبر همچنین تاکید شده است آیین ویژه جشن سده به صورت ساده در محل این انجمن برگزار می شود تا کنون هیچ اعلامیه ای و خبری از سوی دیگر انجمن های زرتشتیان شهرهای دیگر نرسیده است.

انجمن دوستداران آثار فرهنگی پارس که در شیراز مستقر است، نیز با ارسال ناماری به دفتر ریس جمهوری از وی خواسته است کلیه هزینه های برگزاری جشن ده فجر، به حاحه دیدگاه های تخصصی یابد. در این نامبر که نسخه ای از آن به «میراث خبر» ارسال شده، آمده است:

جناب آقای خاتمی «ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران با درود و احترام بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را در پیش داریم، اتحاد، همدلی و تقاضا داریم مستور بفرمائید کلیه هزینه های تشریفاتی (پایزایی، پلاکارد نویسی، گرافتی و ... ) در ادارات، نهادهای، شرکت ها و موسسات دولتی به آسیب دیدگان زلزله بم یکپارچه بر پای استیاده است و گذشت زمان و معاینه و الاثر و انسانی ت از هر سال بیاید.

در کرمان برگزار شد سالگرد درگذشت بانوی درمانگاه همتی کرمان گروه خیرات سالگرد - شهرام پوردهی - کرمان : مراسم بزرگداشت سالگرد بانوی نیکوکار شادروان گوهر بانو ریسی (همتی) در کرمان برگزار شد.

این مراسم از ساعت ۱۶ روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه برابر با دی ایزد و دی ماه در محل تالار آدریان (آتشکده) کرمان برگزار شد. در این مراسم که با همت موسسه خیرات آدریشهر همتی و همکاری انجمن زرتشتیان کرمان تدارک دیده شده بود، جمعی از همکیشان زرتشتی مقیم کرمان حضور داشتند.

در ابتدای مراسم جشن خوانی توسط موبدان انجام شد، سپس ایرج نوبختی رئیس انجمن زرتشتیان کرمان بیچهارم کوهانی از شادروان آدریشهر همتی و همسرش را بیاان داشت وی در سخنرانی خود به شهادت بانوی نیکوکار در هنگام ازدواج ۱۲ سال داشتند. در اولین گام پوردهی در سفر از کودکان پوردهی صنعتی را قبول کردند و سپس در روز ۱۳۲۷ کودکان سرمتی سال ۱۳۲۸ یک درمناگاه و در سال ۱۳۴۳ اولین سالان سرپوشیده استان کرمان را بر روی موقوفه کومتری بنیان گذاشتند و اداره این موقوفات از سال ۱۳۲۸ به عهده کمیته خیریه ارباب آدریشهر همتی نهاده شد و اختصاص یک خویابک و خانه شخصی خودشان به خویابک پسران و دختران دانشجو زرتشتی از دیگر اقدامات این نیکوکاران بود.

در ادامه مراسم پرویز فرهر یکی از هموندان انجمن زرتشتیان خردی ضمن بیان خاطراتی از آن شادروان، در ارتباط با ایجاد نمایشگاهی از آداب و سنن زرتشتیان صنعتیانه داد و از همگان جهت همکاری در برپایی این نمایشگاه دعوت نمود.

سپس نادری در ارتباط با جایگاه شادی در دین زرتشتی و روانشادی در گذشتگان سخنانی ایراد نمودند و از زحمات و خدمات آن سکره تهره ای کی رو با کمیته کوهی مربوط به اوایل دوره اسلامی، پاکسازی و مرمت یک قطعه شکسته و ناقص از لبه طرف مغرغی که پس از مرمت، یک کتیبه به خط نسخ و تزیین ترغ کوب از زیر رسوبات ظاهر شد، حفاظت ۵ نمونه از کاشی های فیروزه و لاجورد با نقوش هندی و سیمرغ، و حفاظت و مرمت چند نمونه قطعات سفال ساسانی با نقوش کنده تزیینی، از جمله اقداماتی است که تاکنون انجام گرفته است.

تمامی این فعالیت ها زمانی جلوه بیرونی پیدا کرد که در تیرماه ۱۳۸۲ مجموعه تخت سلیمان در زمزه آثار جهانی به ثبت رسید. با تحقیقات علمی انجام شده و مطالعات باستان شناختی ۵ دهه اخیر و نیز با استناد به مدارک قطعی به دست آمده، بدون تردید مجموعه باستانی تخت سلیمان در محل آتشکده «آذر گشتاسب» بوده که به عنوان نماد وحدت این دولت در ایران زمان ساسانیان از احترام فوق العاده ای برخوردار بوده است.

علاوه بر ویژگی های تاریخی آتشکده، این مکان شرایط طبیعی - تاریخی منحصر به فردی همچون کوه نمایی معروف به «وزدان» و «چشمه های آبگرم» دارد.

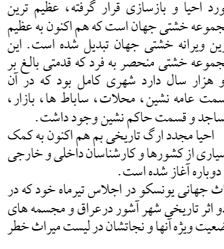
«دژ قلعی» و تعداد قابل توجهی اثر باستانی دیگر نیز در داخل و خارج حریم این مجموعه باستانی قرار دارد. مناظر طبیعی کوهستانی و چشمه ها، حوضچه های آب سرد و گرم، این مکان را به یکی از جالب ترین مجموعه های باستانی نورست با تبدیل کرده است.

همچنین آن چه اهمیت بنای آتشکده آذر گشتاسب می افزاید این است که، بر اساس برخی متون و روایات تاریخی، زرتشت، پیامبر بزرگ ایرانی در قرن ۱۰ قبل از میلاد در جنوب دریاچه ارومیه و در منطقه تخت سلیمان «شهر شیر» متولد شده است.

نام «شیر» از واژه اوستایی «چی جست» (نام قدیم دریاچه ارومیه) گرفته شده است.

ارگ بم در فهرست میراث جهانی در خطر جای می گیرد

ارگ تاریخی بم که هم اکنون بر اثر زلزله شهرستان بم به بزرگ ترین تل خشتی جهان تبدیل شده است در اجلاس آینده سالانه کمیته میراث جهانی یونسکو در فهرست میراث فرهنگی در خطر قرار خواهد گرفت.



به گزارش «میراث خبر»، ارگ تاریخی در هزار ساله بم بزرگ ترین مجموعه خشتی جهان است که بنا به گفته مقامات سازمان میراث فرهنگی کشور حدود ۸۰ درصد آن در جریان زلزله ۶/۳ ریشتری پنج دی ماه تخریب شده است.

عبدالسلول وطن دوست، مدیر امور بین الملل سازمان میراث فرهنگی کشور در مورد فرار گرفتن ارگ بم در فهرست جهانی گفت: طبق ملاذات انجام شده بر مبنای نتایج بازدیدهای میدانی یونسکو، آنها آمادگی می پسوند تا ارگ تاریخی بم در فهرست میراث جهانی و قرار گرفتن آن در لیست معرض خطر این فهرست جهانی را به عنوان یک پرنده و اثر اضطراری پذیرفته اند.

وی گفت: «اطلاعات و پرنده های لازم در مورد ارگ تاریخی بم موجود است و تا چندین دیگر این پرنده ها به یونسکو تحویل داده خواهد شد تا در اجلاس نهم آینده کمیته میراث جهانی در چین، این امر در لیست جهانی جای گیرد».

به خاطر همدردی با زلزله زدگان شهرستان بم و مسئولان استان کرمان برگزار می شده است. ناصر همدردی با زلزله زدگان شهرستان بم برگزار خواهد شد.

انجمن زرتشتیان کرمان با ارسال ناماری ضمن اعلام این خبر از زرتشتیان خواسته است که کمک های نقدی خود را در کشور و خارج از کشور به حساب های این انجمن واریز کنند.

در این نامبر همچنین تاکید شده است آیین ویژه جشن سده به صورت ساده در محل این انجمن برگزار می شود تا کنون هیچ اعلامیه ای و خبری از سوی دیگر انجمن های زرتشتیان شهرهای دیگر نرسیده است.

انجمن دوستداران آثار فرهنگی پارس که در شیراز مستقر است، نیز با ارسال ناماری به دفتر ریس جمهوری از وی خواسته است کلیه هزینه های برگزاری جشن ده فجر، به حاحه دیدگاه های تخصصی یابد. در این نامبر که نسخه ای از آن به «میراث خبر» ارسال شده، آمده است:

جناب آقای خاتمی «ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران با درود و احترام بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را در پیش داریم، اتحاد، همدلی و تقاضا داریم مستور بفرمائید کلیه هزینه های تشریفاتی (پایزایی، پلاکارد نویسی، گرافتی و ... ) در ادارات، نهادهای، شرکت ها و موسسات دولتی به آسیب دیدگان زلزله بم یکپارچه بر پای استیاده است و گذشت زمان و معاینه و الاثر و انسانی ت از هر سال بیاید.

در کرمان برگزار شد سالگرد درگذشت بانوی درمانگاه همتی کرمان گروه خیرات سالگرد - شهرام پوردهی - کرمان : مراسم بزرگداشت سالگرد بانوی نیکوکار شادروان گوهر بانو ریسی (همتی) در کرمان برگزار شد.

این مراسم از ساعت ۱۶ روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه برابر با دی ایزد و دی ماه در محل تالار آدریان (آتشکده) کرمان برگزار شد. در این مراسم که با همت موسسه خیرات آدریشهر همتی و همکاری انجمن زرتشتیان کرمان تدارک دیده شده بود، جمعی از همکیشان زرتشتی مقیم کرمان حضور داشتند.

در ابتدای مراسم جشن خوانی توسط موبدان انجام شد، سپس ایرج نوبختی رئیس انجمن زرتشتیان کرمان بیچهارم کوهانی از شادروان آدریشهر همتی و همسرش را بیاان داشت وی در سخنرانی خود به شهادت بانوی نیکوکار در هنگام ازدواج ۱۲ سال داشتند. در اولین گام پوردهی در سفر از کودکان پوردهی صنعتی را قبول کردند و سپس در روز ۱۳۲۷ کودکان سرمتی سال ۱۳۲۸ یک درمناگاه و در سال ۱۳۴۳ اولین سالان سرپوشیده استان کرمان را بر روی موقوفه کومتری بنیان گذاشتند و اداره این موقوفات از سال ۱۳۲۸ به عهده کمیته خیریه ارباب آدریشهر همتی نهاده شد و اختصاص یک خویابک و خانه شخصی خودشان به خویابک پسران و دختران دانشجو زرتشتی از دیگر اقدامات این نیکوکاران بود.

در ادامه مراسم پرویز فرهر یکی از هموندان انجمن زرتشتیان خردی ضمن بیان خاطراتی از آن شادروان، در ارتباط با ایجاد نمایشگاهی از آداب و سنن زرتشتیان صنعتیانه داد و از همگان جهت همکاری در برپایی این نمایشگاه دعوت نمود.

سپس نادری در ارتباط با جایگاه شادی در دین زرتشتی و روانشادی در گذشتگان سخنانی ایراد نمودند و از زحمات و خدمات آن سکره تهره ای کی رو با کمیته کوهی مربوط به اوایل دوره اسلامی، پاکسازی و مرمت یک قطعه شکسته و ناقص از لبه طرف مغرغی که پس از مرمت، یک کتیبه به خط نسخ و تزیین ترغ کوب از زیر رسوبات ظاهر شد، حفاظت ۵ نمونه از کاشی های فیروزه و لاجورد با نقوش هندی و سیمرغ، و حفاظت و مرمت چند نمونه قطعات سفال ساسانی با نقوش کنده تزیینی، از جمله اقداماتی است که تاکنون انجام گرفته است.

تمامی این فعالیت ها زمانی جلوه بیرونی پیدا کرد که در تیرماه ۱۳۸۲ مجموعه تخت سلیمان در زمزه آثار جهانی به ثبت رسید. با تحقیقات علمی انجام شده و مطالعات باستان شناختی ۵ دهه اخیر و نیز با استناد به مدارک قطعی به دست آمده، بدون تردید مجموعه باستانی تخت سلیمان در محل آتشکده «آذر گشتاسب» بوده که به عنوان نماد وحدت این دولت در ایران زمان ساسانیان از احترام فوق العاده ای برخوردار بوده است.

علاوه بر ویژگی های تاریخی آتشکده، این مکان شرایط طبیعی - تاریخی منحصر به فردی همچون کوه نمایی معروف به «وزدان» و «چشمه های آبگرم» دارد.

«دژ قلعی» و تعداد قابل توجهی اثر باستانی دیگر نیز در داخل و خارج حریم این مجموعه باستانی قرار دارد. مناظر طبیعی کوهستانی و چشمه ها، حوضچه های آب سرد و گرم، این مکان را به یکی از جالب ترین مجموعه های باستانی نورست با تبدیل کرده است.

همچنین آن چه اهمیت بنای آتشکده آذر گشتاسب می افزاید این است که، بر اساس برخی متون و روایات تاریخی، زرتشت، پیامبر بزرگ ایرانی در قرن ۱۰ قبل از میلاد در جنوب دریاچه ارومیه و در منطقه تخت سلیمان «شهر شیر» متولد شده است.

نام «شیر» از واژه اوستایی «چی جست» (نام قدیم دریاچه ارومیه) گرفته شده است.

اهمال و سستی مدیران شهر اصفهان درباره تعدیل ارتفاع برج جهان نما

اهمال و سستی مدیران شهر اصفهان درباره تعدیل ارتفاع برج جهان نما



در حالی که ایران باید تا ۱۲ بهمن ماه ۸۲، گزارشی از اقدامات در مورد وضعیت حفاظتی میدان نقش جهان و کاهش ارتفاع برج ۱۲ طبقه جهان نما که در حریم این میدان ساخته شده را برای کمیته میراث جهانی و حذف آن از فهرست میراث جهانی در خطر بفرستد، طی اجلاس چین، به این سازمان ملل متحد، هنوز هیچ اقدام موثری برای اصلاح ارتفاع برج جهان نما از سوی مسئولان صورت نگرفته است.

به گزارش «میراث خبر»، برج جهان نما که ساخت آن از سال ۱۳۷۶ در میدان دروازه دولت اصفهان آغاز شده و هم اکنون بیش از ۹۰ درصد آن به پایان رسیده، بنایی بتنی با ۴۸ متر ارتفاع است که در فاصله ۷۲۰ متری از میدان نقش جهان ساخته شده است.

سبب اصلی از برج تجاری، اداری و فرهنگی جهان نما به خاطر ارتفاع بیش از حد آن از درون میدان نقش جهان قابل رویت است و به همین دلیل به اعتقاد کارشناسان داخلی و خارجی، حریم آسمانی میدان نقش جهان توسط این برج بتونی شکسته شده است.

عبدالسلول وطن دوست، مدیر امور روابط بین الملل سازمان میراث فرهنگی درباره ارایه گزارش به یونسکو، اظهار داشت: «با وجود هشدارهای مکرر یونسکو، سازمان میراث فرهنگی و کمیته نامی جمهوری به مدیران شهری اصفهان برای کاهش ارتفاع برج جهان نما، هنوز هیچ تصمیم و اقدام جدی و عملی صورت نگرفته و به همین دلیل، سازمان میراث فرهنگی گزارشی خاصی برای ارایه به کمیته میراث جهانی یونسکو به منظور جلب نظر اعضا هیات قرارگرفتن میدان در فهرست میراث در خطر و در صورت ادامه ی توجیهی مسئولان شهری اصفهان حذف آن از فهرست جهانی، ندارد.

وی افزود: «با وجود این که درباره وضعیت حفاظتی میدان نقش جهان اصفهان که یک اثر جهانی است، هیچ نسخه خاصی صورت نگرفته، به نظر می رسد قرار گرفتن آن در فهرست میراث در خطر نزدیک شدن آن به مرحله حذف از فهرست جهانی، در اجلاس تیر ماه سال آینده در چین وجود خواهد داشت و این برای فرهنگ و تمدن ایرانی تاسف بار است.

همچنین چندین پیش «نو کوفانی گوچی» کارشناس فرهنگی دفتر یونسکو در ایران در باره امکان حذف میدان نقش جهان از فهرست میراث جهانی گفته بود که درخواست یونسکو درباره کاهش ارتفاع آن منوط به حذف میدان از فهرست جهانی است. او همچنین گفت که این موضوع است که باعث تخریب آن خواهد شد.

هر اثر ثبت شده در فهرست جهانی یونسکو، در صورت عدم توجه و مراقبت ویژه از سوی کشور عضو یونسکو، در صورت به خطر افتادن، از سوی اعضای کمیته میراث جهانی یونسکو، در فهرست میراث در خطر و در صورت ادامه ی توجیهی از فهرست جهانی حذف خواهد شد. کارشناسان یونسکو از امرداد ماه سال ۸۱ در مورد ساختن مجتمع تجاری، اداری و فرهنگی جهان نما به مقامات ایران هشدار داده اند.

کمیته میراث جهانی یونسکو در اجلاس تیرماه خود با نظر اکثریت کشورهای عضو، تصمیم گیری نهایه ی در مورد میدان نقش جهان اصفهان را به اجلاس آینده این کمیته در تیر ماه سال آینده در کشور چین موکول کرده است.

در اجلاس پایانی سال گذشته، اعضای کمیته میراث جهانی به طور رسمی از دولت ایران خواستند تا با رعایت تداوری، علاوه بر حفاظت و حفظ یکپارچگی شهر تاریخی اصفهان، اثرات منفی ارتفاع زیاد مجتمع تجاری، اداری و فرهنگی جهان نما را به حداقل کاهش دهند.

نونهالان زرتشتی در تیم فوتسال استان کرمان

چهار تن از نونهالان زرتشتی کرمان به تیم فوتسال استان کرمان راه یافتند. با اعلام اسمی نونهالان تیم فوتسال نونهالان (زیر ۱۲ سال) استان کرمان جهت شرکت در مسابقات کشوری این رشته که اوایل بهمن ماه در شیراز برگزار خواهد شد، امید شهریاری، آرش غیبی، بهمن فرهادی و خدایار گشتاسبی با شایستگی به عضویت تیم استان راه یافتند.

در راستای این موفقیت جدا از تلاش بی وصف این بازیکنان نبایستی از نقش باشگاه آدریشهر همتی در زمینه سرمایه گذاری بر روی رده های پایه و تلاشهای پویسی مربی تیمهای فوتسال باشگاه آدریشهر همتی و نونهالان زرتشتی کرمان بی تفاوت گذشت.

بدون مجوز شهرداری و میراث فرهنگی یزد هر گونه تخریب در بافت تاریخی یزد ممنوع است

هر گونه تغییر و تخریب در داخل محدوده شهری و بناهای تاریخی استان یزد، در صورت نداشتن مجوز شهرداری و میراث فرهنگی، جرم محسوب شده و عاملین آن مجازات خواهد شد.

مذبح بهشتی، مدیر کل میراث فرهنگی با بیان این مطلب به میراث خبر، افزود: «در پی تشکیل جلسه ای با ابتکار اداره میراث فرهنگی ابرکوه که با شرکت راندگان دستگاه های سینگی از قبل لوذر، مردودوز و ... همراه بود، در صورت طرح مباحث توجیهی در زمینه تأسیسات با میراث فرهنگی یزد و اهمیت آن و تأکید بر ضرورت وضع قوانین شفاف و کارساز برای حفظ میراث فرهنگی، مقرر شد ضمن عمل به قوانین وضع شده، در نشر آن نیز کوشا باشند.»

وی افزود: «در بخشی از مصوبات این جلسه آمده است که در پی همکاری و هماهنگی های ایجاد شده با شهرداری ها، از این پس هر گونه تخریب و درداشت در داخل محدوده شهری و بناهای تاریخی در شهر یزد و سایر شهرستان های تابعه مستلزم ارایه حکم تخریب و مجوز از طرف شهرداری و میراث فرهنگی است. توسط کارفرما، می باشد در غیر این صورت، این کار جرم محسوب می شود. با اطلاع آن مجازات خواهد شد، ضمناً مسئول مستقیم عملیات تخریب نیز صاحب دستگاه خواهد باشد.»

همچنین خاطر نشان کرد: «بهشتی»

«غارت و تخریب آثار فرهنگی در تاریخ به مرتب عموم مردم یک مشکل فرهنگی است که باید با روش و شیوه خاص فرهنگی از آن برخورد شود و تشدید مجازات عاملین، صرفاً یک حرکت بلنددانه نیست و علم اصلاح کلیت از این که میراث فرهنگی است و جایگاه تاریخی در همتی دارد، عامل اصلی اقدامات سوجوانیبه افراد است.»

به گفته ی تشکیل جلساتی که در آن افراد به شکل رود رو با طرح مباحثی به اهمیت میراث فرهنگی کشور بریند مردم و مسئولان دستاوردهای خوبی در بر داشته که از جمله این موارد، به شیخیری از تخریب یک آب انبار قدیمی در یزد توسط عامل محل اشاره کرد که به همین روش و جسالت توجیهی صورت گرفته است.

دوستانان امرود از نامه هاتان سپاسگزاریم. آقای جهانگیر اختر خاوری در پاسخ به سوال آقای وخشوری در ستون آزاد در شماره گذشته توضیحاتی داده اند و آقای دکتر فریدون زلف نیز همچون همیشه از وضعیت جامعه شکایت داشتند که باید بگویم ما هم راضی نیستیم اما فقط گله و شکایت کاری از پیش نمی آید. امیدواریم در آینده پیشهانداتان را به چاپ برسانیم.

خانم پروا پارسایانها شما هم به دستمان رسید اما به دلیل طولانی بودن قادر به چاپ آن در این صفحه نیستیم.

عزیزی برای ما چنین نوشته اند: اظهار نظر در مورد هر مطلبی توسط هر شخص آزاد است هر کسی حق دارد نظر خود را در مورد هر چیزی بصورت شخص بیان کند. اما هنگامی که قرار باشد این مطالب به وجود آید از یک فرهنگ یا یک عمل اجتماعی چاپ شده و به دست همگان برسد، از جامعه جوانی و عواقب آن مدنظر گرفته شده و با هر زبانی که هست ، طنز یا غیر طنز ، بر اساس معیارهای درست ، سالم و دست نخورده باشد . در صورتی که وجود معیارهای دست نخورده و صحیح تقریبا غیرممکن است ، چون تمامی معیارهای جامعه ای کنونی ما تحت تأثیر مسائل مختلف روز تغییر کرده است.

این نشریه بسیاری از مسائل صحتی جامعه زرتشتی را به زبان طنز که چندان هم به طنز فرهنگی نزدیک نیست بیان می کند در صورتی که این نشریه و دو هفته نامه با هر اسم دیگری را حتی در دستر هر فرد غیرزرتشتی نیز می باشد بنابر این مقام عیب های پویشده ای جامعه ما با حالت بسیار زننده ای انگشت نمایی دیگران نگشته و این زمینه لازم برای این نوع انتقار یک ملت ، فرهنگ و قوم بوده و باعث سرفرنگدگی تک تک افراد جامعه ای می شود.

عیب زندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت کنگاه دگر آن بر تو نسوخند نوشتن من اگر نیکم اگر بد تو پرخورد رایش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

امرداد: این که باید برای انتقاد همه جوانب و عواقب در نظر گرفته شود که در اصل قدرت است و در آن شکی نیست. اما اگر قرار باشد که عواقب در نظر گرفته شود و سپس انجام نشود که از عیب ها رفع نمی شوند و نیز تجربه ثابت نموده است که زبان طنز بهترین زبان برای انتقاد است.

دوم : از نویسنده نامه می خواهم تا در منظور خود معیارهای درست ، سالم و دست نخورده را بیشتر روشن فرمایند و دلایل خود را از اینکه می فرمایند تمامی معیارهای جامعه کنونی ما تحت تأثیر مسائل مختلف روز تغییر کرده است و باقرماینده که قدیم گفته اند بی مایه نظیر است.

سوم : از نویسنده تقاضا می کنم که طنز فرهنگی را برای ما توضیح دهند. تاکنون اگر به آن نزدیک نیستیم خود را به آن نزدیک کنیم فرمایند که اصولا طنز فرهنگی یعنی چه ؟ تا ما هم آگاه شویم.

چهارم : این که این نشریه وظیفه خود می داند تا با حضور فعال خبرنگارانش در جامعه مسائل را شناسایی کند و آنها را انتقادگونه به گوش مسئولان رساند و آنها را کار بهترین شوی که

از مرده ها هم می شود پول در آورد یک شرکت آمریکایی روش جدیدی ابداع کرده است که از خاکستر مرده ها الماس گران قیمت ساخته می شود. شرکتی در ایالت لیزینوز آمریکا پیشنهاد کرده است که بعد از تدفین خود را با تبدیل کردن آنها به الماس زنده نگه دارد. این مدیرانها پس از آنکه زمین گریز را در ملبورن خود آهسته آهسته به الماس های گرانبها تبدیل کرده است. حالا این شرکت ادعا می کند که این تبدیل را از زمانی بسیار کوتاه تر از آن حتی کوتاه تر از طول عمر یک انسان انجام می دهد یعنی در حدود ۱۶ هفته .

بدن انسان ۷۱۵ کربن دارد که از آن الماس ساخته می شود بیشتر این کربن در عمل سوزاندن به دی اکسید کربن تبدیل می شود. این شرکت برای ساختن الماس از روش خاصی برای سوزاندن بدن استفاده می کند تا کربن مورد نیاز در خاکستر بماند. فرقی حاصل از این خاکستر استخراج شده و آزمایشگاهی می شود و آن را درون خاله در ۶۰۰ درجه سانتیگراد به کربن گرافیت تبدیل می کنند. پس از آن ، گرافیت به آزمایشگاهی در المان فرستاده می شود که از آن الماس به وجود می آید.

این آزمایش ابتدا روی حیوانی انجام شد و از خاکستر آن حیوان یک الماس ساخته شد سپس این عمل روی جسد یک انسان انجام گرفت و او به یک الماس ای رنگ تبدیل شد. او و خانواده اش پیش از مرگ این فرقه تقاضای چنین کاری را کرده بودند. رئیس این شرکت آمریکایی که حدود ۴ سال است روی این پروژه تحقیق می کند معتقد است شوه شان طرفداران بسیاری پیدا خواهد کرد. طرفدارانی که دوست دارند پس از مرگ ، وابستگانشان آنها را کنار خود داشته باشند آن هم بصورت یک سنگ قیمتی ، سنگی که ۱۴ هزار دلار ارزش دارد. ممکن است این الماس بیوسپه ۴ آزمایشگاه جواهر شناسی ایووا (IGI) تایید شده صاحب این شرکت میباید او را نرخ مرده سوزی در آمریکا به نرخ مرده سوزی ژاپنی ها برسد

همان خبرسانی درست می باشدرا بزرگیده است و البته در برخی مواقع از زبان طنز هم استفاده می شود . به هر حال عیب های پوشیده جامعه هم باید آشکار شوند تا رفع گردند و هیچگاه و با انتقاد باید مشکلات آبروی کسی نرفت و کسی انگشت نم نگفته است . دوست عزیز جناب آقای پ.ش. در مورد ازدواج نامه ای نوشته اند: روی سخنم با جوانان مجرد و سردرگم است. کسانی که به این مرحله از زندگی رسیده اند قادر به تصمیم گیری نیستند و عمر گرانبهای خود را بدون هیچ انگیزه ای به بطالت می گذرانند.

می توان سراسر زندگی را به جاده ای تشبیه نمود که در این جاده به هر راههای مختلف می خوریم و همچنین جاده های فرعی زیادی در کنار این جاده طولانی و پر فراز و نشیب وجود دارد که به پراه خن و در نهایت به بن بست ، باتلاق ، پرتگاه یا ... منتهی می شود. که البته می توان با استفاده از تجربه بزرگان (توجه به علائم جاده) ، کمی همت (هوشیاری راننده در پشت فرمان) و آینده نگری (داشتن نظر کافی در تاریکی) براحتی به مقصد مورد نظر شناخته شده دست رسید.

هم اکنون صحبت از چهار راه بزرگ و اصلی زندگی یعنی چهار راه ازدواج است. چهار راهی بسیار شلوغ و پر مخاطره که با استفاده از تجربه بزرگان و کمی همت می توان از این چهار راه سلامت عبور کرد.

جوانانی که در این مرحله از زندگی قادر به تصمیم گیری نیستند همچون راننده ای می باشند بنابر این در میان این چهار راه توقف کرده و نمی توانند تصمیم بگیرند که به کدام سمت حرکت کنند و همگی خوب می دانیم که عاقبت رانندگی بدون هدف و با تردید چه هست ؟ بلی ، تصادف و طبعاً مقصر راننده مرده می باشد. لازم به ذکر است که این افراد در تصمیمی نگیرند بالاخره سر نشینان همان خودرو (خود را درجه ۱ خانواده) اقدام به حرکت با تعیین مسیر می کنند.

اما این چهار راه کمی با چهار راه معمولی فرق دارد و تنها اختلافش در این است که باید برای انتقاد همه جوانب و عواقب در نظر گرفته شود که در اصل قدرت است و در آن شکی نیست. اما اگر قرار باشد که عواقب در نظر گرفته شود و سپس انجام نشود که از عیب ها رفع نمی شوند و نیز تجربه ثابت نموده است که زبان طنز بهترین زبان برای انتقاد است. دوم : از نویسنده نامه می خواهم تا در منظور خود معیارهای درست ، سالم و دست نخورده را بیشتر روشن فرمایند و دلایل خود را از اینکه می فرمایند تمامی معیارهای جامعه کنونی ما تحت تأثیر مسائل مختلف روز تغییر کرده است و باقرماینده که قدیم گفته اند بی مایه نظیر است.

سوم : از نویسنده تقاضا می کنم که طنز فرهنگی را برای ما توضیح دهند. تاکنون اگر به آن نزدیک نیستیم خود را به آن نزدیک کنیم فرمایند که اصولا طنز فرهنگی یعنی چه ؟ تا ما هم آگاه شویم.

چهارم : این که این نشریه وظیفه خود می داند تا با حضور فعال خبرنگارانش در جامعه مسائل را شناسایی کند و آنها را انتقادگونه به گوش مسئولان رساند و آنها را کار بهترین شوی که

چیزی حدود ۵۹۸ ری می گوید اگر این فرآیند تبدیل به آهستگی و با دقت تسریع با انجام شود شخص می تواند یک الماس با کیفیت بالا داشته باشد. ولی این ایده با مشکلات زیادی روبه رو است این روش برای بسیاری از مردم عجیب و حتی نفرت انگیز است. البته برای بسیاری از خانم ها داشتن الماس از آرزوهای بزرگ باشد ولی باید دید که داشتن الماس از خاکستر مادر پدر یا یکی از بستگان ایشان خوشایند است یا نه ؟ در حال حاضر موسسات کفن و دفن متعددی در آمریکا هستند که مشترکاً علقه مند می توانند به آنها مراجعه کنند و در صورت تمایل ، برای خود یا یکی از اقوام ، سفارش ساخت الماس بدهند آن هم از خاکسترشان !!!

انتقال مواد از طریق امواج: بطور خلاصه تله پورت (Teleportation) عبارت است از استخراج کلیه اطلاعات اساسی موجود در یک جسم ، انتقال از طریق امواج این اطلاعات با استفاده از کانال های موجود و نهایت بازسازی مجدد جسم اولیه در مقصد از روی اطلاعات دریافت شده. در یک کلام این کار را می توان تله پورت کردن یک جسم بدون انتقال فیزیکی آن نامید. تنها جایی که تله پورت با این تفسیر ، یکی از مدرن ترین و هیجان انگیز تر و پویاهای علمی برای دانشمندان نویسنده گان خواهد بود.

از نظر تئوری برای انتقال الکترونیکی یک ماده شما باید تمامی اطلاعات اساسی موجود در آن را به دست بیاورید و این مسئله اندازه گیری بسیاری از کلیت ها و ویژگی های مربوط به آن ، مثل وضعیت دقیق تمامی اتمهای تشکیل دهنده جسم است. اما نظریه جدید طبعیت هاینزبرگ می گوید: شما نمی توانید سرعت و موقعیت یک ذره را همزمان و با دقت دلخواه بدست آورید ، زیرا افزایش دقت در اندازه گیری یکی از کلیت ها ، دقت اندازه گیری دیگری را پایین می آورد و باعث ایجاد نوعی عدم قطعیت در مقدار آن می شود و به این ترتیب ، شما حدا اکثر می توانید این ویژگی را بدون اندازه گیری منتقل کنید.

موضوع

دوم دی ماه ۱۳۷۴ زرتشتی

همکیشم ، خوبم ، از خوب بهترم ! امرودات را که به راستی امرود است همیشه می خوامیم و در یکبارگی و از گذشتن با شما نفس می کشیم و از وجدان همیشه پندارم در من همان است که می بودم . شامامیتم که نمودار ای از وجدان همیشه پندارم در من همان است . مدت ها می بودم ، می خواستم نامه ای بنویسم فرصتی پیش نمی آمد . در تعطیلات کریسمس که چراغ های شادی همه جا روشن است فرصتی پیش آمد تا با امرود به گپ همکیشم که شوربخشانه خبر ناگواری و مرگ کم انگیز - بی - دل ها را از خود و از همکاران همکار دریا ساخت . این نامه از سوی همه ای همکیشان ازاد و همدمانی خود را بر مرگ مردم شوهروکن بنا بر بیان داشته امید به آن داریم که بازماندگان این رویداد و تلختر از تلخ فراموش نشوند . البته نیک آگاهی که ملت همیشه روسپید ایران چشم برهنه نخواهد گذاشت . به فروهر از دست رفتگان و همکیشان بپی درقدم فرستاده و یا هشمان را گرامی می داریم .

دکتر توح پارسی مسئول انجمن زرتشتیان سوئد

اسب سپید!

سر دبیر گرامی بم زیر رو شد و خاک چه با دریغ و درد مردمان را به آغوش کشید و چپشی دیگر برپیشانی ای کهن سال تاریخ نشاند و نخل های همیشه «کریم» ش را افکندند به زندان درد و غم کشانید . در سال ۱۳۷۰ زرتشتی بر می گردم ( ۱۳۵۰ خورشیدی ) شهرویی بود ، ارگ برپا بود و پیه آسمانی که روز زلال بود و شب یک پارچه پولک دوزی می شد با سپس و نیاش می نگریدست . شهر مانند مردمش پر از حوصله بودو مهربان . تمام کوجهی شب کور شد ، ارگ گشت زدم ، غریب نبودم یعنی حسن نکردم هر حرف و صدایی را نه شنوا گوش کردم بلکه بلعیدم ، در ملودی وژاگان بمی ، شیراز برابیم تکرار می کش . مادری را دیدم که به ز یکی از کوجه ها که مست بودی گاه گشت بودم ، مادری را دیدم که به دنبال کودکش که شاید شیفته می بود می بودی و می گفت : خدا به روز کویر بچار تنگه فرزند ! نفرین نبود ، نه نفرین نبود ، مادر آتشی بود و توهم ، و بی روز کویر را بر برای فرزندش نمی خواست . تا آنروز چنین نشویدم بودم . روز کویر چهنه است چهنی که شب سرایش کشنده است و روز گرامیش کشنده تر . اه اگر می گفت به روز کویر د چاروت بکند ، نه نمی گفت هرگز ، هرگز ! مادر چنین نمی گوید و نمی خواهد .

باز هم چنان، گشتم و گشتم و گشتم در میان آنهمه دیوارهای خشت و گلی و نخل های کریم و متبسم ، تا آوایی دیگر مرا به خود کشید ؛ رختخواب مرا مستانه بنداد ....

چونکلی هفده هیژده ساله بود ، دکانکی و اره ای و تیشی ای و مشتیی بیش خاک، اره و اسباب بازی کودکان که رنگ آبی آنها برتر بود و در قابی کوچک ، مکنی از خواننده ای ، تکم درختی ترنج بختم . سلام کردم و یکاوشی خودمان را نسته ای گشتم ، از جایش برخاست و به مهر پذیرفت . گفتم بیخون گفت صدای خوشی ندارم ، گفتم از دل و جان می خواندی ، بیخون گفت تا حالا پیش کسی نخواندم ، گفتم بیخون ، در نگاهش عشق جاری بود ، عشق ای رفتم ، عشق شکر خدا می کرد ، خواندم :

آجل اومد که از او چون بگیرم ... ندانم چونکه پایست تو بودم ، خدا به دردم مگه چه کردم ناید دردی که مو می تو بگردم

اشک در چشمانش باران شد خواند ، خواند تا با هم دریا شدیم . از او یک اسباب بازی خریدم .گفت برای بچه ت گفتم ندارم تازه ازدواج کردم ، برای خودی می خوام ، می خوام کودک بشم ، می خوام ... گفت اگه رنگ آبی دوست داری تا آبیشت کنم . گفتم همین حالا هم آبیشت می بینم هر کاری کردم پول نگرفتم گفت « یادگاری » است . یادگاری را که روایتی از آسمان زلال بم و نخل های همیشه کریمش بود تا سال ها پیش داشتم .

هم زلزله شد همه ای کوجه های خاطر ام زبیر رو شد شایدم نجار و .... زیر خرمن خاک ، تک ، گاه گل خفتند ، او که عاشق بود ...

اسب سپید ترانه ای بر بردن من در ، نشستی « است که آنرا به همه ای کودکان « یادگاری » می دهم . به کودکان عاشق بم که همچنان بدانشان در زیر آن آسمانی که کویبی همه ای ستارگان دنیا را در آن جمع کرده اند به گوش می رسد . شاید هم صدای مادری که می گوید : خدا به روز کویر د چاروت تنگه زردی که نفرین نبود ، نه نفرین نبود

دکتر توح پارسی ایسلا - سوئد

اسب سپید

برای کودکان بم و اسباب بازی میباش

اسب سپید شیبه مکش!

چونکه «ناز» من ، بر برگ گل ، روی چمن ، تازه خفته است .

وب گره

www.Persiantfootball.com در این سایت هر چند درباره فوتبال ایران می خواهید وجود دارد : عکس ، تاریخچه بازیها ، اخبار مربوط به بازیکنهای ایرانی در خارج و داخل کشور و ....

www.Iranonline.com در این سایت متنوع ، علاوه بر chat مخصوص کنکوری ها ، معرفی رشته های دانشگاهی ، مقالات هتگی مخصوص کنکوری ها ، فهرست آموزشگاهها و .... وجود دارد .

www.Iranseek.com اگر به فکر این هستید که برای خودتان در این سایت ایرانی ، همکار ، همسر ، یا دوست انتخاب خوبی است . MB۲۰ فضای مجانی هر کسی را روسمه می کند که سری به این سایت بزند . در این سایت می توانید E-mail مجانی با دامنه نام خودتان هم داشته باشید .

موضوع

با اهدای غصو بعد از مرگ حیاتی تازه به همنوع خود بخشیم

پیوندی اعضا از مسائل تونین علم پزشکی است که در دهه های اخیر روز به روز گسترش یافته است . گرچه پیوند در کشور ما در زمینه های مختلف رشد و بالندگی داشته ولی برای گسترش هر چه بیشتر آن راهی به چندان هموار در پیش رو داریم . یکی از جنبه های ترین موضوعات علم پزشکی که در دهه های اخیر مطرح شده مساله مرگ مغزی و پیوند اعضا می باشد . شاید در نگاه نخست این مساله به صورت یک موضوع پزشکی خودمانی کند اما با تاملی بیشتر پرداختن به ابعاد اخلاقی ، مذهبی ، سیاسی و حقوقی این بحث اجتناب ناپذیر است . مرگ مغزی و پیوند اعضا و بیان نیاز برخی افراد جامعه جهت پیوند اعضا نظیر قلب ، کبد ، ریه و ... می توانیم گرامی بزرگ در جهت ادامه حیات انسان های نیازمند برداریم :

گفتاری در باره مرگ مغزی

با پیشرفت زندگی مدرنیته حوادث یکی از علل مهم مرگ و میرا تشکیل داده است به طوری که بعد از بیماری سرطان سومین عامل مرگ و میر در تمام سنین را حوادث تشکیل می دهد اما در جوانان و کودکان اولین علت می باشد . در بین علل منجر به فوت در حوادث ضربه نخستی شایع ترین علت می باشد تعدادی از این بیماران قبل از فوت به حالتی می روند که فقط قلب آن ها کار می کند و اگر با دستگاه ترمین مصنوعی به آن ها کمک شود و نموظ تغذیه و سایر دستگاه های بدن آنها باقیمان برای مدتی بدون این که امیدی به فعالیت مغز آن ها نباشد زنده می ماندند به این حالت مرگ مغزی می گویند که بعد از توقف قلبی می عارض می شود و مرم قلبی به سراغ آنان می آید - با پیشرفت علم پزشکی این امکان برای جامعه پزشکی به وجود آمده تا در این فاصله از حدوت مرگ مغزی قلبی تا مرگ نهایی جسم ( بسیاری از اعضا سالم بدن این باران قبل از اینکه از تنهایی قلبی خارج شوند در زمانی که به وقت قلب گردش خون سالم هستند قابل پیوند می باشند .

تاریخچه پیوند اعضا در ایران و جهان (۲)

در قرن دوم قبل از میلاد جراح چینی فرضیه پیوند بعضی از اعضا را ارائه داد در ایران اولین پیوند کلیه در سال ۱۳۴۷ در شیراز انجام شد . پیوند کلیه به همراه دیالیز یکی از روشهای درمانی موثر است که در نیم قرن گذشته برای درمان بیماران مبتلا به نارسایی کلیه مورد استفاده قرار گرفته و پیوند کلیه نیز یکی از روشهای طول عمر این بیماران شده است . در حال حاضر ۱۸ مرکز با انجام ۱۲۰۰ مورد پیوند در سال به طور کامل جوابگوی نیاز بیماران نیازمند به پیوند کلیه می باشند .

خطرات با با رسم (۵)



داخل کشی که شدید خود مصیبتی بود برای جا ، چون همه ما بلبط روی عرشه کشی که مبلغ آن هفده تومان بود داشتیم . تمام عرشه و پایین و بالای آن پر بود از مسافرن عرب در هر صورت به سنجی جانی خودم و فرشی پهن کردم و بشها هم که جانی نبود در عرشه می آرامیدم - عده ای از همسفران که قبلا با کشی سفر کرده بودند و با تجربه بودند در بندر خوراک و خواب بار تهیه کرده بودند و با هم می خوردیم .

کشیهای آن زمان که بین ایران و هندوستان آمد و شد می کردند در نوع بودند یکی تند رو دیگری کندرو- تند رو هفت روزه از بندرعباس تا بمبئی می رفت و کندرو روزه هفت روز چون در بیشتر نقاط بین راه مانند کویت ، بحرین ، دوی ، کراچی و... توقف و بازگویی می کرد و مسافر بیاده و سوار می کرد .

یادم می آید یکی از دوستان به نام اردشیر ، وقتی به کراچی رسیدیم از ناهای کوچک سفیدی به عرشه آوردند ، چندان از آنها را خریدم و با هم خوردیم و خیلی خوشمزه بود . روز هفتم وارد بمبئی شدیم ، پدرم به بندر گاه آمد . بودم به منزل پدرم که از آنسکه دادی ست) بود رفتم . یکی دو روز خستگی پدرم را بیرون کردم ، بعد پدرم را به مدرسه Bahdra high school برد و آنجا گذاشت . روزهای اول چون زبان بلد نبودم (نه هندی و نه انگلیسی) قدری سبک بود ولی بعد از یک دو ماه به زبان انگلیسی تا حدی آشنا شدم که تمام احتیاجاتی خودم را به زبان انگلیسی رفع می کردم . تمام دروس هم در زبان انگلیسی بود ، بعد از آن زبان پارسی را به عنوان زبان دوم در آن مدرسه تدریس می کردند . از دیگر چیزها اینکه روزهای اول بچه هندی هم مرا آسخره می کردند و به ایرانی های زرتشتی ( چون از زبان پارسی زرتشتی بودم ) جنگلی می گفتند . خلاصه که آنجا ادامه تحصیل دادم ولی metric نماندند در درس ناسی به ایران دانشگاه لارم پرد شدیم . بعد هم مدرسه راک ترک کردم و پدرم به ایران و پس از شش ماهی مجددا با قاطر از شهر شیراز و بمبهر باز به سمت بمبئی حرکت کردم . پوشش در آن سفر که بعد از جنگ جهانی دوم دور ویران شده بود . بازار آن هم متروحه و خالی بود و شهر هم تقریبا از سکنه خالی شده بود . اینبار از پوشش به بمبئی رفتم اینبار نزد دکتر ناجی که متخصص امراض چشمی بود شاگردی کردم بعد از مدتی هم به بیمارستان امراض چشمی رفتم . در آنجا بعد از زینه چشم پزشکی و امراض آن تحصیل کردم .

عصر آزادی شیشه و کله شیشه که تعیلل بودیم با چندان تا از دوستان همکشی به (الندری) که باغی بود واقع در کنار رودخانه ای از میوه بخصوص سیب و چکو می رفتم و خوراک می خفتم و می خوردیم و بعد می رذیم و می تقصییم و شادی می کردیم تا یکسکه به زبان صحیح کارمان مراجعه می کردیم . یکباره به پیوند و یکی از دوستان تصمیم گرفتیم تعطیلاتمان را به جنگل برویم و همین کار کردیم .

در آنجا به میوه ای برخوردیم که شیشه به انگور بود یکی از دوستان به نام گودرز شروع کرد به خوردن و ما هم به تبعیت از او از آن میوه ها خوردیم . خدا روز بد برای هیچکدام از شما نیارود ... چون ...



دبیر سرگروه: ...  
پریسارستمی: ...



### عصر جمعه پاییز

و آفتاب خسته بيمار  
از غرب می وزید  
پاییز بود  
عصر جمعه پاییز  
له له زانان، عطش زده، آواره  
باد بار  
یک تکه روزنامه جرب مجاله را  
در انتهای کوچه بن بست  
با خشم می جوید  
تا دور دیدن  
اندوهبار عباری گس  
در هم دویده بود  
قلیم نمی تپید  
و باورم به تهیبت مرگ  
شعری سروده بود.  
من مرده بودم  
قلیم  
در پشت میله های زندان سینه ام  
از یاد رفته بود  
اما هنوز خاطره ای در عمق من  
فریاد می کشید  
روییده بود  
در بینهایت احساسم  
دهلیزی متروک  
مه گرفته  
... و خاموش  
فریاد گامهای زنی  
چون قطره های آب  
از دور دور ذهن  
در گوش می چکید  
لب تشنه دویدم سوی طنین گام  
...  
تداوم فریاد گام ها  
از انتهای دیگر دهلیز  
در گوش می چکید:  
تک تک  
چک چک  
چشمبوی ... چه طنینی!  
برگ چنار خشکی از شاخه دور شد  
خرچید در فضا  
در زیر پای خسته من له شد  
دست بریده مردی بود  
لبزیر التماس!  
فریاد استخوانپایش برخاست  
آه!  
عصر خسته بيمار  
از غرب می وزید  
پاییز بود  
عصر جمعه پاییز

## شاعر همواره به خانه تکانی فکر نیاز دارد

### گفتگو با هوشنگ پایه‌یه نشین

زیر کوب: شعر چیست؟  
شعر یک پدیده اجتماعی است. هر پدیده در باطن آدمی، دارای فراز و نشیب‌های است. بستگی شعر بیش از آنست که به زبان است. تحت تاثیر عوامل جغرافیایی و تغییرات گوناگون جامعه، پیوسته در حال دگرگونی است.  
ماهیت و جوهر شعر کدام است؟  
مطلبی که قرن‌های متمادی تفسیر شده، از کلاسیسیسم تا مدرنیسم هیچ کدام نتوانسته‌اند پاسخ صحیحی برای این پرسش بیابند. شعر چیست؟ چه نوشته‌ای شعر است؟ و اگر نوشته‌ای شعر است چه ویژگی‌هایی دارد؟ (شعر در نفس خود) شعر است و دور از هر گونه تعاریف و تفاسیر و به قول مولانا: آفتاب آمد دلیل آفتاب.  
در شعر امروز به وزن و قافیه اعتقاد دارید؟  
اعتقاد به شعر سیلابیک قدیم، شعر با حالات مختلف بیان گوناگون، قوانین و محور و عروض را به وجود آورد. قاعده و مواد وزن و قافیه گرامر زبان شعر را تکمیل کرد. امروز، شعر معاصر، روپنای شعر و آثار کهن است. منتها در قالب جدید و بیان تکنیک و فرم تازه‌تر.  
شعر زمان و مکان را پشت سر می‌گذارد- آینده و زبان را نیز. مثلاً آینده امروز در آثار چهل پنجاه سال قبل ایرج، عشقی، عارف، دهخدا و تپه دیده که از زمین‌کنان و نو آوران امروزیه است، به خوبی محسوس است. شعری نوپوی فوق، شناسنامه نوزاد شعر امروز می‌گردد بعد از آن که در دامن پر مهر و صفای علی نوا، اسدبنیادی - نیما یوشیج - پرورش می‌یابد.  
قافیه مانند وزن لازم الاجرا نیست - بلکه اتفاقی است و به دینامیس شعر وابسته است. ولی شعر غیر موزون، نه شعر است و نه نثر. وزن لنگر سفینه شعر در توفان اندیشه هاست. در مقابل آثار ترجمه شده خارجی، اشعار متور رایج و صحنه پر کن، به چه دردی می‌خورد؟  
آیا پرواز و تعقیب کندگان افکار نیما در ادامه راهش موفق شده‌اند؟  
تلامذۀ (دانش آموزان) شایسته استاد نیما در اوان کار و تحریک و پیشکار جالب و چشم‌گوار داشتند. بعد از درگذشت (پدر) این ایام با بی‌سروستان شعر امروز دچار تفرقه خاطر و پراکنده گویی شدند. و از آن جایی که اجتماع فرد پرست است، بیش تر به شعر گذرا گردآیدند. همین شهرت آوری و بی‌اشد پیش پای این آقایان، بطوری که ملاحظه می‌فرمایید، در مملکت ما، اکنون شهرت شاعر غیر از خود اوست.  
تبلغیات در این دهه گذشته تنها توانست به ثبات شعر امروز بپردازد: شعر (امروز) وجود دارد - و این‌ها هستند سرایندهگان آثار نو - و اما خود آثار و تبلغیات تمام از این نمی‌تواند باشد.  
یکم از یک سرایندهگان امروز به جوهر و اصالت شعر دست یافتند و شیوه کار کدامین شاعر را می‌پسندید؟  
نصورتی کم کسی از شعری امروز ادعا کند که جوهر و اصالت شعر را شناخته است. هنر برای آفریننده خود، هیچ گاه ارضاء کننده نبوده است. هنر همیشه در سوسا ملود سر می‌کند - هنر یعنی و سوسا خوب و عالی.

### امشب از آسمان یاد تو روی دقترم شعر می بارد

### باز هم یاد روی تو در دل امید می‌کارد

### باز هم به آینده می‌نگرم

### و خود را با تو شاد می‌بینم

### خود را در گلزار عشق

### در مال چیدن گل روی تو می‌بینم

### باز به آینده امیدوار می‌شوم

### خود را از پویی (ها می‌تازم)

### و به بودن با تو می‌تازم

### بی صبوری در راه موفقیت، مانع بزرگی است.

### با بردباری می‌توان بیش از خشم نتیجه گرفت (مثل اترقیالی)

### باز به آینده امیدوار می‌شوم

### خود را از پویی (ها می‌تازم)

### و به بودن با تو می‌تازم

محض بوده است. آقا شما در وطنان شاعران بزرگی دارید. چرا اینها در خارج مملکت شما شهرت ندارند؟ این خردمندان و محققان عجول است و هم، فارسی‌زبانان که به زبان بیگانه آشنایی دارند. بله، از نوا و ضد شهرت برستی شما نیز هست.  
در مورد آثار شاملو - اخوان ثالث - رویایی - سپهری - و نادر و فروغ فرخزاد، نظراتن را بفرمایید؟  
در باره کارهای رویایی که عرض کردم. دیگران هم هر کدام سبک و روش شعر سرایی خاص خود دارند. و این‌ها به اضافه چند تای دیگر نظیر آتشی، سبانیو، زحمت شعری زیادی کشیده‌اند. هنوز جزو سی میلیون نفوس نیست. شعر امروز، هر چه باشد و هر چه هست پیش همین بقیه است. ولی این بقیه باز باید پیش تر بچینند- نفس سینه چاقی و صاف کنند- شاعر همواره به خانه تکانی نیاز دارد. رویایی سال‌ها است این مطلب را درک کرده و پیوسته در حال تغییر مکان و رفت و روب است. همین ایجاد تنوع می‌کند. اشعار رویایی در اصل دارای تنوع و ویژگی است.  
آیا مریخ تو وجود دارد؟ و آیا وجود مریخ تو حادانه ای در ادبیات ما است؟  
مریخ تو در ایران هنوز به شکل هسته ای وجود دارد، ولی هر موجود با پدیده ای حادثه نیست. مثل فرانسه و سایر کشورها هنر شعر ما پیوسته در حال تحول است. مریخ تو یکی از شاخه های گوناگون شعر است که اگر خوب بپوشد بهتر می‌شود.  
حالا می‌خواهم کمی درباره خودتان حرف بزنم که در این سالهای سرد سکوت و انزوی شعری چه می‌کردید؟ و کار تازه؟  
هیچ! مشاهده می‌کردم. فکر می‌کردم. مطالعه می‌کردم و همین بزرگ ترین هنر است. و اما کار تازه، آن‌هم هیچ! ۱۰ سال سکوت در مقابل ۱۷ سال سکوت بل والری سرمدنگی تولید می‌کند. ولی در سکوت چه آسوده بودم! آسوده از گفت و گو - آسوده از مصاحبه!

و اما در قیاس به نسبت، با این همه سبک‌ها و شیوه‌های فارسی که وجود دارد - شیوه شعر سرائی بد را رویایی یعنی تکنیک، فرم، و نماز - استعاره او برآیم همیشه جالب بوده و هست - جوهر شعر تنها استعاره است و این را رویایی در آثار خودش به کار بسته است. رویایی با تنوع شعر می‌گوید: ویژگی‌های او در عوض کردن شیوه کار است.  
آیا می‌توان به آینده شعر امروز امیدوار بود؟  
بله، ولی اگر دید ما - سنجش ما از شعر - جهانی و وسیع باشد باید دور از شهرت بایبی‌ها، و جنبه‌های هنری به کار خود مشغول بود. انزوی هنری، تا حدی خمیر مایه هنر است. امواج اجتماع هنرمندان را به ساحل آورده سپس به خشکی برتابش می‌کند.  
ایرانی باید بلداند ایرانی چه می‌گوید و قیاس شعر جهانی باشد. مسأله دور هم گرد آمدن، خود تصمیمی است برای آینده شعر.  
مضافاً اینکه آینده شعر امروز ایران، به جهانی شدن آن وابسته است. از قرار معلوم ادبیات به ویژه شعر ایران در خارج بدجوری معرفی شده و می‌شود. آقای کمال الدین عینی از استاد دانشگاه جمهوری تاجیکستان که موفق به زیارتشان شده بود می‌گفت: با مشاهده ادبیات ایران از نزدیک، معلومی می‌شود بزرگ‌زیده اشعار ایرانی که در تاجیکستان منتشر شده اشتباه

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

### یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی نامه‌ای نوشته و در آن از دوستداران این هنر خواسته است تا برای پوسستن به این گروه و استفاده از کلاس‌های آن اقدام کنند. این نامه را با هم می‌خوانیم:

شاید باورتان نشود ولی در این چند ماه گذشته هر بار که برای اجرای چند آهنگ به روی صحنه رفته ایم با اینکه همیشه با کمبود وقت، عدم هماهنگی های آواز و مشکلات صوتی مواجه بوده ایم. اما حداکثر تلاشمان این بوده است که بینندگان و شنوندگان متوجه این کاستی‌ها نشوند. البته امیدوارم که در این امر موفق بوده باشیم. راستی یاد رفت بگویم در مورد چه حرف می‌زنم من یکی از اعضای گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی (مزدیسنان) هستم که آخرین اجرای این گروه در روز ۲۰ آبان ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران شاید بسیاری از شما به یاد داشته باشید.  
باری می‌خواهم به شما بگویم از نظر من و بسیاری از دوستان جدایت و تاثیر گروه کر بسیار بالاست و همچنین شکوه آن نظرییندگان آهنگی می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.  
شوندگان شاید بگویند باز می‌خواهد از خودشان

### به قلم موبدیار مهران غیبی

### حقوق شهروندان

به یاری اهورامزدا  
در قانون اساسی هر کشوری برای شهروندان آن کشور حقوقی در نظر گرفته شده است. ریسی دولت و نمایندگان مجلس شورای آن کشور نیز از جمله نگاهبانان آن قانون اساسی هستند. رعایت این حقوق اگر تاثیر بر کمیت زندگی نداشته باشد، به یقین سبب افزایش کیفیت زندگی شهروندان می‌شود.  
پدیده‌های زرتشتی در ایرانی با سه مشکل اساسی روبرو هستند: ۱- قانون احوال شخصیه زرتشتیان. در این قانون بویژه به زنان ظلم شده و بعضی از مواد آن با آموزش‌های اشو زرتشت، حتی با نوشته‌های ساسانی همخوانی ندارند. باید این قوانین بوسیله دانشمندان دینی و غیر دینی اصلاح شده به تصویب مجلس برسد. ۲- نامساوی بودن حقوق زرتشتیان با شهروندان درجه یک. در پاره‌ای از موارد مانند دیه، قصاص و ارب از حقوق برابر با شهروندان درجه یک برخوردار نیستند. مواردی در کتاب‌های همچون [حقوق اقلیت‌ها در اسلام] نوشته آیت ... عمدت زنجانی استاد حقوق، نوشته شده است که بر شدت این مشکل می‌افزاید.  
۳- مشکل سوم زرتشتیان با دیگر شهروندان ایرانی مشترک است. زیرا شهروندان ایرانی آنچنان که شاید بپایند از حقوقی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده، رهبر فرزانه و رییس جمهور گرامی بر آنها تاکید دارند، برخوردار

### نصرت رحمانی

### نصرت رحمانی

در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رسانید. پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و مشغول کار شد. رحمانی که در شعر به "نصرت" شهرت یافته است، از سال ۱۳۲۴ به شعر و شاعری پرداخت. در آغاز آثارش را با نام مستعار "ن.چریک" در روزنامه‌ها و مجله‌های پایتخت انتشار می‌داد و در سال ۱۳۳۳ نخستین مجموعه اشعارش را تحت عنوان "کوج" منتشر ساخت.

نصرت رحمانی درباره خود چنین می‌گوید: پدر رحمانی نداشته‌ام تا لقب او را با زنجیر به کت‌های خسته ام ببندم و در سنگلاخ‌ها بدم، تا هر جا که سخن بر سر نام می‌رود با تمام نیروم فریاد بکشم که پسر فلان الدوله هستم. بولی اگر لازم باشم می‌گویم نام پدرم اسد... بود. من نمی‌دانم زاده یک قانونم یا پدیده یک عشق، آنچه می‌دانم این است که در سفر یکی از شب‌ها اسبند ماه ۱۳۰۶، سیده در چشمه‌های ریخت تهران مرا در لای چنگ‌های خوش‌گرفت. تا کنون که باز نمی‌دانم انگشتری هستم بر انگشت‌ها یا زخمی بر روی دست‌های شهرم، درباره شرم حرفی ندارم بگویم، همین است که هست. در میان شعری معاصر به نیما علاقه و به احساساتش ایمان دارم و از متقدمین، حافظ را می‌ستایم و نظامی را استاد می‌دانم.  
نصرت، شاعری پر شور و با احساساتی تند است که در شعر شیوه و زبان خاصی را برگزید و از او چند مجموعه شعر دیگر به نام‌های ترمه، میعاد در لجن، کویار، مردی که در غبار گم شد و حرین باد، شمشیر معشوقه قلم و دیبا دور ذکر زده، به چاپ رسید.  
ای دوست این روزها با هر که دوست می‌شوم احساس می‌کنم آقدر دوست بوده‌ام که دیگر وقت خیانت است.

### نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

### نصرت رحمانی

### نصرت رحمانی

در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رسانید. پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و مشغول کار شد. رحمانی که در شعر به "نصرت" شهرت یافته است، از سال ۱۳۲۴ به شعر و شاعری پرداخت. در آغاز آثارش را با نام مستعار "ن.چریک" در روزنامه‌ها و مجله‌های پایتخت انتشار می‌داد و در سال ۱۳۳۳ نخستین مجموعه اشعارش را تحت عنوان "کوج" منتشر ساخت.

نصرت رحمانی درباره خود چنین می‌گوید: پدر رحمانی نداشته‌ام تا لقب او را با زنجیر به کت‌های خسته ام ببندم و در سنگلاخ‌ها بدم، تا هر جا که سخن بر سر نام می‌رود با تمام نیروم فریاد بکشم که پسر فلان الدوله هستم. بولی اگر لازم باشم می‌گویم نام پدرم اسد... بود. من نمی‌دانم زاده یک قانونم یا پدیده یک عشق، آنچه می‌دانم این است که در سفر یکی از شب‌ها اسبند ماه ۱۳۰۶، سیده در چشمه‌های ریخت تهران مرا در لای چنگ‌های خوش‌گرفت. تا کنون که باز نمی‌دانم انگشتری هستم بر انگشت‌ها یا زخمی بر روی دست‌های شهرم، درباره شرم حرفی ندارم بگویم، همین است که هست. در میان شعری معاصر به نیما علاقه و به احساساتش ایمان دارم و از متقدمین، حافظ را می‌ستایم و نظامی را استاد می‌دانم.  
نصرت، شاعری پر شور و با احساساتی تند است که در شعر شیوه و زبان خاصی را برگزید و از او چند مجموعه شعر دیگر به نام‌های ترمه، میعاد در لجن، کویار، مردی که در غبار گم شد و حرین باد، شمشیر معشوقه قلم و دیبا دور ذکر زده، به چاپ رسید.  
ای دوست این روزها با هر که دوست می‌شوم احساس می‌کنم آقدر دوست بوده‌ام که دیگر وقت خیانت است.

### نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

### نصرت رحمانی

### نصرت رحمانی

در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رسانید. پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و مشغول کار شد. رحمانی که در شعر به "نصرت" شهرت یافته است، از سال ۱۳۲۴ به شعر و شاعری پرداخت. در آغاز آثارش را با نام مستعار "ن.چریک" در روزنامه‌ها و مجله‌های پایتخت انتشار می‌داد و در سال ۱۳۳۳ نخستین مجموعه اشعارش را تحت عنوان "کوج" منتشر ساخت.

### نصرت رحمانی

### نصرت رحمانی

در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رسانید. پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و مشغول کار شد. رحمانی که در شعر به "نصرت" شهرت یافته است، از سال ۱۳۲۴ به شعر و شاعری پرداخت. در آغاز آثارش را با نام مستعار "ن.چریک" در روزنامه‌ها و مجله‌های پایتخت انتشار می‌داد و در سال ۱۳۳۳ نخستین مجموعه اشعارش را تحت عنوان "کوج" منتشر ساخت.

نصرت رحمانی درباره خود چنین می‌گوید: پدر رحمانی نداشته‌ام تا لقب او را با زنجیر به کت‌های خسته ام ببندم و در سنگلاخ‌ها بدم، تا هر جا که سخن بر سر نام می‌رود با تمام نیروم فریاد بکشم که پسر فلان الدوله هستم. بولی اگر لازم باشم می‌گویم نام پدرم اسد... بود. من نمی‌دانم زاده یک قانونم یا پدیده یک عشق، آنچه می‌دانم این است که در سفر یکی از شب‌ها اسبند ماه ۱۳۰۶، سیده در چشمه‌های ریخت تهران مرا در لای چنگ‌های خوش‌گرفت. تا کنون که باز نمی‌دانم انگشتری هستم بر انگشت‌ها یا زخمی بر روی دست‌های شهرم، درباره شرم حرفی ندارم بگویم، همین است که هست. در میان شعری معاصر به نیما علاقه و به احساساتش ایمان دارم و از متقدمین، حافظ را می‌ستایم و نظامی را استاد می‌دانم.  
نصرت، شاعری پر شور و با احساساتی تند است که در شعر شیوه و زبان خاصی را برگزید و از او چند مجموعه شعر دیگر به نام‌های ترمه، میعاد در لجن، کویار، مردی که در غبار گم شد و حرین باد، شمشیر معشوقه قلم و دیبا دور ذکر زده، به چاپ رسید.  
ای دوست این روزها با هر که دوست می‌شوم احساس می‌کنم آقدر دوست بوده‌ام که دیگر وقت خیانت است.

### نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

نصرت رحمانی - بخشی از شعر اهدام

### گزارش ویژه

### گزارش ویژه

تیز هوشان توجیه پذیر می‌نماید. در باره آموزشگاه‌های غیر انتفاعی هم گفته می‌شود که شاید کسی بخواهد با صرف پول بیشتری امکانات بیشتری داشته باشد. اکنون پرسش اینجاست که معیار بهینه برای یک نظام آموزش و پرورش چیست، پاسخ این پرسش از حد دانش نگارنده خارج است ولی این پرسش باز هم اندیشه را به چنگک اندوه می‌آویزد که چرا میان آموزشگاه دولتی معمولی و نمونه دولتی و میان آموزشگاه دولتی معمولی در یک ناحیه مانند فلان محله تهران با آموزشگاه دولتی معمولی در فلان محله یزد، کرمان، زاهدان، جیرفت... تفاوت بسیار خطرناکی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که هیچ یک از این موسولان حاضر نیستند فرزندشان در یکی از این آموزشگاه‌ها درس بخواند. این در حالیست که عدالت حکم به برابر بودن و یکسان عملی شدن این معیارها در همه آموزشگاه‌ها می‌دهد. همه می‌دانیم که بسیاری از معضلات اجتماعی ایران با ازدواج بر پایه معیارهای درست حل شدن می‌شود. در اینجا هم نبود فرهنگ درست، خانه و کار مناسب، سبب بالا رفتن سن ازدواج و افزایش میزان طلاق شده است. چه کسی مسؤول حل مشکل است؟ (در شماره آینده، ادامه این نوشتار را در باره امنیت اجتماعی پی می‌گیریم.)

### گزارش ویژه

### گزارش ویژه

تیز هوشان توجیه پذیر می‌نماید. در باره آموزشگاه‌های غیر انتفاعی هم گفته می‌شود که شاید کسی بخواهد با صرف پول بیشتری امکانات بیشتری داشته باشد. اکنون پرسش اینجاست که معیار بهینه برای یک نظام آموزش و پرورش چیست، پاسخ این پرسش از حد دانش نگارنده خارج است ولی این پرسش باز هم اندیشه را به چنگک اندوه می‌آویزد که چرا میان آموزشگاه دولتی معمولی و نمونه دولتی و میان آموزشگاه دولتی معمولی در یک ناحیه مانند فلان محله تهران با آموزشگاه دولتی معمولی در فلان محله یزد، کرمان، زاهدان، جیرفت... تفاوت بسیار خطرناکی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که هیچ یک از این موسولان حاضر نیستند فرزندشان